شهید محمد خسروی لقب

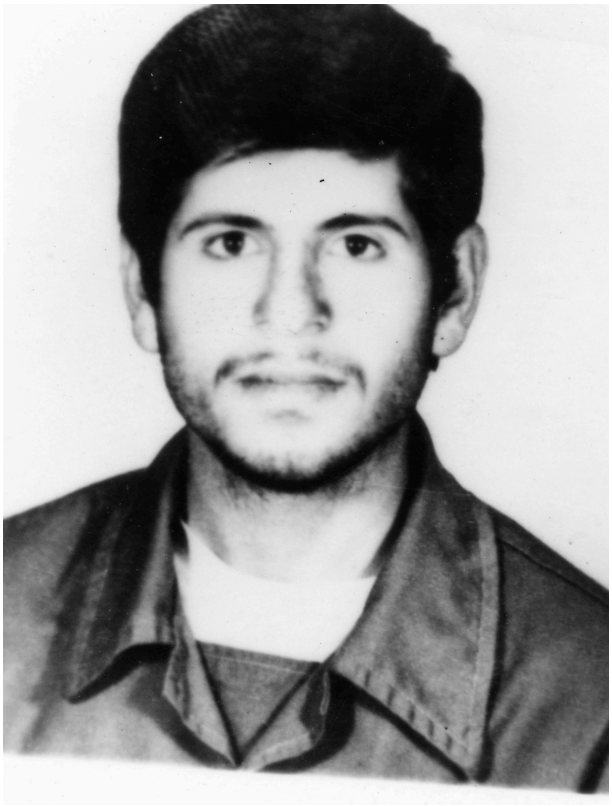

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دوهزار شهید استان بوشهر

نام پدر	صفر
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۱۱/۰۳
محل تولد	بوشهر – دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۷/۲۹
محل شهادت	مریوان
مسئولیت	فرمانده گروهان
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	برازجان

زندگینامه

شهید محمد خسروی در ۱۵خرداد ۱۳۴۲ روزی که خون بهترین فرزندان اسلام در مدرسه فیضیه ریخته شد و روزی که اماممان فرمود یاران من هنوز در رحم مادرند ویا در گهواره ها هستند پا به عرصه وجود نهاد.دوره ابتدایی را در دبستان ابن سینا و معرفت برازجان گذارنید سپس وارد مدرسه راهنمایی شهید مصطفی خمینی شد. سال سوم راهنمایی بود که همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی امت مسلمان ایران به رهبری بت شکن زمان امام خمینی در تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت می نمود و از کمک به پدر خویش دریغ نداشت. ضمن تحصیل بقیه وقت خویش را در محل کار پدرش مشغول بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرمان امام امت مبنی بر تشکیل ارتش۲۰ میلیونی جز اولین کسانی بود که در بسیج ثبت نام نمود و آموزشهای لازم را فرا گرفت و بعداً به عضویت پایگاه مقاومت ابوذر درآمد از آنجا برای آموزش نظامی عازم شهرستان کازرون و در پادگان شهید آیت الله دستغیب وارد شد و در اولین عملیات که در مهرماه ۶۰ بنام عملیات ثامن الائمه (ع) آغاز شد شرکت نمود. بعد از عملیات به برازجان برگشت و در بسیج شروع به فعالیت کرد و سپس در ۲۸ آبان برای بار دوم راهی جبهه شد درعملیات طریق القدس شرکت نمود و حماسه ها آفرید پس از فتح بستان به خانه بازگشت و در فروردین ماه ۶۱ در عملیات مراحل اول وسوم فتح المبین شرکت نمود و چون مقلد امام بود و مسئله جنگ را می دانست در عملیات بیت المقدس شرکت نمود و با فداکاری خود و دیگر رزمندگان خرمشهر را آزاد نمود و بنا به گفته خودش از اولین کسانی بود که وارد خونین شهر شد. زیرا می گفت چند نفر قبل از من وارد خرمشهر شدند که همگی به شهادت رسیدند.در ۲۲ تیر ماه ۶۱ در عملیات مراحل اول و چهارم رمضان شر کت نمود سپس در آزاد سازی تنگ چزابه شرکت کرد ودر مهرماه ۶۱ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان درآمد چند روزی بیشتر در خانه نبود در ۱۷بهمن ۶۱ در عملیات والفجر یک شرکت نمود. بعد از عملیات به برازجان آمد و چون عاشق ائمه اطهار (ع) بود به زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) به مشهد مقدس رفت. در کنار قبر امام هشتم (ع) امام را واسطه قرار می دهد و در آنجا می گوید که ای خدا اگر من لیاقت شهادت را در راه تو ندارم آمده ام تا امام را واسطه قرار دهم. بعداز سفر از طرف سپاه مسئول آموزشهای نیروی دریایی سپاه بوشهر شد و پس از آموزشهای لازم به برازجان آمد و دوباره راهی جبهه شد در لشکر فجر به عنوان فرمانده گروهان انتخاب گردید و سه روز قبل از عملیات والفجر چهار در خواب می بیند که یار بسیار عزیزش و همسنگر گرانبهایش محمد افراسیابی در عالم رویا با او صحبت می کند ومحمد به او وعده می دهد که توهم به همین زودی پیش ما می آیی و سرانجام در شب اول عملیات در مورخه ۶۲/۷/۲۷ به پیش معشوقش شتافت و دعایش در بارگاه امام رضا (ع) مستجاب شد .

وصیت نامه

من المومنین رجالٌ صدقوا ماعاهدوا الله علیه فمهنم من قضی نحبه ومنهم من ینتظرو ما بدلوا تبدیل».
در آغاز با سلام بی پایان به ولی عصر(عج) و نایب برحقش روح الله و با سلام بی کران به تمامی شهیدان اسلام وسلام به رزمندگان اسلام در تمام جبهه های حق علیه باطل. اینجانب محمد خسروی فرزند صفر متولد ۱۳۴۲ صادره از شهرستان برازجان این بنده حقیر بر خود واجب دانستم که وصیت نامه ای بنویسم و با توجه به این که چندین بار در عملیات شرکت کرده بودم و ضرورت نوشتن وصیت نامه را حس کرده بودم ولی فرصت نداشته ام و هم اهمیت نمی داده ام ولی نمی دانم چرا حس کرده ام که صرفاً اگر ننویسم گناهی مرتکب شده ام بدین وسیله وصیت نامه خود را در مورد خانواده و برادران آشنا می نویسم و در آغاز وصیت خود را شروع می کنم تا زنده هستم نمی گذارنم ستمکاران به دولت و فرماندهی برسند مگر این که پس از مرگ ما زمان سلطنت دیگران باشد و آن قدر می روم و می جنگم تا شهید شوم از مادرم در خواست بخشش دارم. زیرا از دستم ناراحتی ها دیده و از کلیه برداران و خواهران که مرا می شناسند درخواست دارم که برای من از خدا طلب بخشش کنند شاید به خاطر حرمت مومنین خداوند از تقصیراتم بگذرد. احساس می کنم بار گناهان و خطاها بر دوشم سنگینی می کند به خصوص دعای آن کسانی که پاسدارند و به جبهه می روند از کسانی که با من برخورد داشته درخواست دارم چنانچه از من بدی دیده اند در گذرند و یا اگر کسی را سراغ دارند که از من بدی دیده به نزدش بروند و از او رضایت بگیرند. دیگر این که مقاومت را فراموش نکنند که خداوند با صبر پیشه کنندگان است ودر این شرایط تاریخی خداوند تبارک و تعالی بار سنگین انقلاب اسلامی را بر دوش ملت مسلمانان ایران گذاشته است و مارا در آزمایش عظیم قرار داده است. اگر امت اسلام از مقاومت خود دست بردارند زحمات شهدا به هدر می رود گر چه آنها به سعادت رسیده اند و این ما هستیم که آزمایش می شویم و دیگر این که با تجربه ای که ما صدر اسلام داریم که به خاطر عدم آگاهی مسلمین درس عبرت باشد شما با دقت کلمات این روح خدا را که خط او خط رسول خدا (ص) است دقت کنید که وجود امام امروز برای ما معیار است راه او راه سعادت و انحراف از راهش خسران دنیا و آخرت است من با تمام وجود این اعتماد را دارم که شناخت و مبارزه با جریانهایی که بین مسلمین است وسعی در به انحراف کشیدن انقلاب از اصیل و مکتبی دارند به مراتب حساس تر وسخت تر از مبارزه با رژیم صدام و آمریکاست. و وصیتم به برداران این است که سعی کنند توده مردم را که عاشق انقلاب هستند از نظر اعتقادی و سیاسی آماده کنند تا بتوانند کادرهای صادق انقلاب را شناسایی کنند و عناصری که جریانهای انحرافی دارند بشناسند که شناخت مردم در تدوام انقلاب حیات است. در پایان این بنده حقیر وصیتی به مادران آی مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.که فردا در محضر خدا نمی توانید جواب زینب را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود وصیت دیگر دارم به امت مسلمان که با روحانیت باشید.که اگر خدای نکرده از روحانیت جدا شدیدآن روز، روز نابودی انقلاب و نابودی شما است که تنها روحانیت است که می تواند این انقلاب را رهبری و هدایت کند و انقلاب را به آقا امام زمان بدهد و دشمنان اسلام را نابود کند خدایا جندالله را که با سوگند ثار الله (ع) در لشکر روح الله برای شکست عدو الله واستقرار حزب الله و زمینه ساز حکومت جهاد بقیه الله (عج) است حمایت کن در پایان طول عمر رهبر انقلاب را از خداوند خواستارم .

گزیدهٔ نا مه ای از شهید:
در زندگی همیشه به یاد خدا باش زیرا اگر خدا را فراموش کردی خود را فراموش کرده ای و اگر خود را فراموش کردی خود تباه می شود .مرگ تحولی است از یک زندگی به زندگی دیگر به هرحال با کفر از هر نوعی و در هر زمانی و در هر جبهه ای که باشد باید جنگید چه آمریکا باشد چه روسیه چه چین باشد یا ژاپن و چه ضد انقلاب داخلی . صراط مستقیم راه امام است و دیگران بر باطلند باید روحانیون شهرستانها نیز خودشان را اصلاح کنند. چرا که اگر یک فرد غیر روحانی صد تا کار خلاف بکند هیچ در چشم مردم جلوه ندارد اما یک روحانی اگر یک کار خلاف بکند بزرگ می شود. ای مادر عزیز ما راه کربلا را باز می کنیم یا در کربلای ایران به خون خود می غلطیم تو نگران مباش. ای دوستان و برادران اگر در شهرها بعضی افراد برای شما مشکلاتی می سازند تمامی مشکلات در

جبهه های حل می شود بیاید تا آنجا را ببینید.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی زمان مهدی خمینی را نگهدار.
جمهوری اسلامی بدست مهدی بسپار.
رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما .
معلولین ومجروحین شفا عنایت بفرما .
زیارت کربلا نصیب ما بگردان .
صدام وصدامیان نابودشان بگرادن.
شهادت در راهت را نصیب ما بگردان.
خدایا جندالله را که با سوگند ثارالله در لشکر روح الله برای شکست عدوالله و استقرار حزب الله و زمینه ساز حکومت جهانی بقیه الله است حمایت کن .

خاطرات

نامبرده چهارمین فرزند خانواده می باشد و ایشان دارای جاذبه بسیار قوی داشت و نزد اعضای خانواده محبوبیت خاصی داشت . با پدر و مادر بسیار مهربان بود و به آنها خیلی احترام می گذاشت . و رابطه اش با اعضای خانواده بسیار حسنه بود ونسبت به خواهران و برادران بزرگتر از خود بسیار کوچک نفس بود . و همیشه به ما سفارش می کرد که در همه کارهای خود خداوند را ناظر بر کار خود بدانید و در میان دوستان محبوبیتی خاص داشت .
همیشه قرآن کوچکی همراه داشت که بعد از خواندن نمازش همیشه آن را تلاوت می کرد و سعی می کرد که نمازش همیشه با جماعت باشد و همیشه واجبات را انجام می داد و نسبت به ترک محرمات بسیار حساس بود . در ایام محرم بیشتر در عزادارای ها شرکت می کرد و در مراسم مذهبی شرکت فعالانه داشت . تحول فکری او بر گرفته از آقایان استاد مطهری و شهید مظلوم دکتر بهشتی در قبل از انقلاب در راهپیمایی ها شرکت فعالانه داشت . ایشان در مسجد صاحب الزمان یک کتابخانه تشکیل دادند . تحصیلات شهید دیپلم ناقص بود و به علت علاقه ای که داشت مدرسه را رها نمود و به جبهه شتافت. و همیشه درباره جبهه می گفت که ما باید جنگ شرکت می کرد .
بار اول که به جبهه رفت ۱۵ سال بیشتر نداشت.در تمام نامه هایش ما را دعوت به خدا شناسی می کرد و همیشه اجرای عدالت را دوست داشت . از طریق همرزمان وی از شهادت وی با خبر شدیم . و شهادت ایشان اتحاد و دوستی را بیشتر بین اعضای خانواده برقرار کرد وبقیه اعضا وادار شدند که درجبهه ها شرکت نمایند. و افتخار می کنیم که جز خانواده شهدا هستیم .

از تبار رئیس علی
سازمان جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر